خبر

برای کودکان دور ایران می‌گردیم

● **شرق:** انجمن روشنگران فردای کودک (ارفک) که در حوزه کودکان کار و آسیب‌دیده اجتماعی فعالیت می‌کنند و خدمات مختلف آموزشی، روان‌شناسی و مددکاری برای بهبود کیفیت زندگی کودکان و خانواده‌های آنها ارائه می‌دهند، در روز ۱۹ آذر ماه، کمپینی را اجرا می‌کند. این کمپین با شعار «دورت بگردم» در روز ۱۹ آذر در یکی از بوستان‌های تهران برگزار شده و قرار است با همکاری جامعه دوندگان ایران، ۸۷۳۱ کیلومتر (مجموع محیط پیرامون ایران) پیموده شود. هدف از برگزاری این کمپین، تأمین هزینه‌های یک سال نگهداری و آموزش صد کودک کار است که به این منظور، بسته‌هایی شامل دستبند، شکلات و تی‌شرت منقش به نقشه ایران و شعار «دورت بگردم» به قیمت ۳۵۰ هزار تومان آماده فروش هستند و می‌توان آنها را از آدرس https://arfak.org/landing/ نیز خریداری کرد.

الزام مدارس برای حضور هفته‌ای یک روز دانش‌آموزان در کلاس

● **ایسنا:** عبدالرضا فولادوند مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران با اشاره به آموزش در دوران کرونا اظهار کرد: امسال بنا شد به مجوز ستاد ملی مقابله با کرونا آموزش‌های حضوری به صورت تدریجی و آرام از سر گرفته شود. در همین راستا پروتکل‌های بهداشتی ابلاغ شد و مدارس با توجه به کسب آمادگی‌های لازم اقدام به دریافت مجوز از منطقه و بازگشایی کردند. مدیر کل آموزش و پرورش شهر تهران با بیان اینکه آموزش حضوری الزامی است، در پاسخ به اینکه برخی مدارس تنها یک یا دو ساعت در هفته را برای رفع اشکال اختصاص داده‌اند، گفت: این کار غیرقانونی است و دانش‌آموز کمتر از یک روز نباید در مدرسه باشد. این الزام مختص همه مدارس است و تفاوتی ندارد. دانش‌آموزان نباید برای یک ساعت تا دو ساعت در هفته فقط به مدرسه بیایند؛ باید کلاس را با تناسبی که نسبت به مساحت کلاس بسته می‌شود و رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی تقسیم کنیم و دانش‌آموزان باید حداقل هفته‌ای یک روز را در مدرسه حضور داشته باشند. مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران افزود: ضمن آنکه اخذ رضایت‌نامه از اولیا برای حضور در مدرسه نیز یک اقدام غیرقانونی است. باید به اولیا آرامش و اعتماد بدهیم که در مدرسه تمام پروتکل‌ها رعایت می‌شود.

چه کسانی در رشته‌های بدون آزمون دانشگاه‌ها پذیرش می‌شوند؟

● **شرق:** دفترچه راهنمای شرکت در رشته‌های بدون آزمون دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی روی سایت مرکز سنجش آموزش کشور قرار گرفته و داوطلبان می‌توانند از شرایط و جزئیات ثبت‌نام در این رشته‌ها مطلع باشند. براساس مصوبات بیست‌وهفتمین جلسه شورای سنجش و پذیرش دانشجو مقرر شد برای ظرفیت‌های خالی‌مانده رشته‌محل‌هایی که در مرحله پذیرش براساس سوابق تحصیلی آزمون سراسری سال ۱۴۰۰ (رشته‌های بدون آزمون) تکمیل نشده‌اند، پذیرش براساس سوابق تحصیلی (معدل کتبی دیپلم) برای نوبت بهمن ماه صورت گیرد. به‌این‌ترتیب ثبت‌نام و انتخاب رشته برای ظرفیت‌های خالی‌مانده رشته‌محل‌هایی که در مرحله پذیرش براساس سوابق تحصیلی سراسری سال ۱۴۰۰ تکمیل نشده است، به صورت اینترنتی تا روز شنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۰ ادامه دارد و متقاضیان می‌توانند با مراجعه به سایت سازمان سنجش آموزش کشور نسبت به ثبت‌نام خود اقدام کنند. دفترچه راهنمای ثبت‌نام و انتخاب رشته پذیرش دوره مذکور، هم‌زمان با شروع ثبت‌نام از طریق درگاه اطلاع‌رسانی سازمان سنجش آموزش کشور به نشانی http://sanjesh.org/ قابل دسترس خواهد بود. متقاضیان از ۱۶ تا ۲۲ آذر می‌توانند برای پذیرش در این رشته‌ها ثبت‌نام کنند. در رشته‌های صرفا با سوابق تحصیلی (بدون آزمون) ملاک پذیرش برای متقاضیان شاخه نظری با معدل کتبی دیپلم و متقاضیان شاخه فنی و حرفه‌ای یا کاردانش با معدل کل دیپلم آنان با توجه به ضریب تأثیر اعمال سوابق تحصیلی انجام می‌شود که متقاضی می‌تواند بدون توجه به نوع مدرک دیپلم و از همه گروه‌های آزمایشی نسبت به انتخاب رشته اقدام کند. متقاضیان مجاز هستند بدون توجه به نوع مدرک دیپلم یا پیش‌دانشگاهی از همه گروه‌های تحصیلی و رشته‌های مندرج در دفترچه راهنمای پذیرش صرفا براساس سوابق تحصیلی (گروه‌های تحصیلی علوم ریاضی و فنی، علوم تجربی، علوم انسانی، هنر و زبان‌های خارجی) نسبت به انتخاب رشته‌های مورد علاقه خود اقدام کنند.

بررسی مرگ سامان دشتی، سرباز نظام وظیفه در روز آخر سربازی

پایان خدمت ناتمام

نیلوفر حامدی: «موسیقی در پس‌زمینه است و هم‌زمان تصاویر چهره‌های پسران جوانی را می‌بینیم که در حال تراشیده‌شدن سرشان هستند. یکی پس از دیگری چهره‌ها عوض می‌شود. نهایتا ۱۹ سال دارند. صحنه بعدی اما دیگر به شوخ‌وشنگی سکانس اول نیست. حالا آن جوانان بشاش، با لباس‌های فرمی که بر تن کرده‌اند، در یک سالن ایستاده‌اند و گروهبان «هارتمن» با تندترین الفاظ ممکن بر سرشان فریاد می‌کشد». حدود ۳۵ سال پیش، «استنلی کوبریک» کارگردان آمریکایی با الهام از داستانی که توسط سربازی آمریکایی نوشته شده بود، فیلم‌نامه‌ای ضدجنگ نوشت که به یکی از مهم‌ترین فیلم‌های سینمای جهان بدل شد. «گوستاو هاسفور» که خودش سرباز آمریکا در دوران جنگ با ویتنام بود در همان روزهای جنگ داستان فیلم «غلاف تمام‌فلزی» را با الهام از دوستان و هم‌خدمتی‌های خودش نوشت. فیلم طولانی است و قرار نداریم که داستانش را بگوییم؛ اما نیمه نخست و البته درخشان این فیلم با خودکشی یکی از سربازان آن پادگان به پایان می‌رسد. «لورنس» جوان یک شب پس از تحمل خشونت و تحقیرهای فراوان در دوران خدمتش، یک شب اسلحه‌ای برمی‌دارد و در مقابل چشم دیگر هم‌خدمتی‌هایش، با یک تیر خودش را می‌کشد. غلاف تمام‌فلزی یک فیلم بود؛ اما خودکشی سربازان در اقصانقاط جهان نه یک قصه بلکه حقیقتی تلخ است. آخرین موردش هم اوایل آذرماه امسال رخ داد. سامان، پسری که هنوز ۲۰ سالش تمام نشده بود، طبق «برخی روایت‌ها» دست به خودکشی زد.

عدالت دشتی، پدر سامان است. روزهای سختی را می‌گذراند و از اردبیل به تهران آمده تا ماجرا را پیگیری کند. می‌گوید که به‌تازگی برای پسرش شغلی دست‌وپا کرده بود و قرار نبود این‌طور شود: «پسر من ۲۰ سال بیشتر نداشت. دامادم که در تهران زندگی می‌کند، برایش به‌تازگی در یک کاربراتوری شغلی دست‌وپا کرده بود. خیلی خوشحال بود. هیجان داشت و هر بار که از پادگان تماس می‌گرفت، می‌گفت سر کار که بروم، با اولین درآمدم برای تو ماشین می‌خرم. می‌خواست مادرش را راهی سفر مشهد کند؛ اما نشد. عمر جوانم قد نداد. قرار نبود این‌طوری شود. ما قرارهای دیگری با هم گذاشته بودیم».

او ماجرا را این‌طور تعریف می‌کند: «سامان باید ۳۰ آبان خدمتش به پایان می‌رسید؛ اما وقتی برای تسویه رفت، به او گفتند که باید چند روز بیشتر بمانی و هنوز کسری خدمت داری. به ما گفتند همین حرف باعث شد خودش را بکشد. آخر پسرم خسته شده بود؛ اما من نمی‌دانم واقعا چه اتفاقی رخ داده است. نمی‌دانم چه بلایی به سرش آمده است. می‌خواهم شکایت کنم. باید بفهمم پسر جوانم چگونه پرپر شد.

به جز سامان دو پسر دیگر هم در خانه دارم. یکی از آنها بیماری تالاسمی دارد و من و مادرش از او نگهداری می‌کنیم و دیگری هم کارگر است. دخترم هم ازدواج کرده و در تهران زندگی می‌کند. سامان امید ما بود. حالا امیدم را به خاک سپردم».

هم‌خدمتی‌های سامان چه می‌گویند؟

اما این همه داستان نیست. هم‌خدمتی‌های سامان سخت، با ترس و نگرانی روایت‌های دیگری از ماجرا را در اختیار «شرق» قرار می‌دهند. یکی از آنها از روزی می‌گوید که سامان برای گرفتن امضای ترخیص مراجعه کرده بود: «سامان به خاطر سابقه حضور پدرش در جنگ شامل کسری خدمت حدودا چهارماهه می‌شد. روزی که برای ترخیص رفته بود، به او می‌گویند که مدت‌زمان سربازی‌اش به پایان نرسیده است و باید ادامه دهد؛ اما سرباز که در آن شرایط اصلا سلاحی در دست ندارد که بخواهد خودکشی کند». یکی از سربازهای دیگر که سامان را می‌شناخته هم ماجرا را این‌طور تعریف می‌کند: «بعضی از بچه‌ها می‌گویند صدای شلیک بیرون از محیط آمده است؛ اما یک‌سری دیگر از بچه‌ها صدا را از داخل شنیده‌اند. یکی می‌گوید با کلاشنیکف نگهبان دمِ در دست به خودکشی زده و یکی دیگر می‌گوید سامانَ با یک افسر درگیر شد و آن افسر را خلع سلاح کرده و با سلاح کمری او دست به این کار زده؛ اما همه‌چیز پیچیده است. ما واقعا نمی‌دانیم که چه اتفاقی افتاده است. درحالی‌که فقط با بررسی گلوله می‌توان تا اندازه‌ای متوجه ماجرا شد».

فاز بعدی اخبار منفی از سربازی‌ها

با وجود اخباری که هر چندوقت یک بار از خودکشی سربازان در رسانه‌ها اعلام می‌شود؛ ولی هیچ‌گونه آمار رسمی‌ای دراین‌باره وجود ندارد. این موضوعی است که وحید اشتری، فعال اجتماعی که مشخصا در حوزه مقابله با سربازی اجباری فعالیت دارد، به «شرق» می‌گوید: «سؤال اینجاست که چرا درباره همه آسیب‌های اجتماعی مثل طلاق و اعتیاد و... در جامعه حرف زده می‌شود و آمارهای مرتبط با آن اعلام می‌شود و مقامات هم به طور رسمی دراین‌باره اظهارنظر می‌کنند؛ اما وقتی حرف از خودکشی سربازان به میان می‌آید، همه‌چیز محرمانه می‌شود؟

معضلات و مشکلات نیمی از جوانان کشور که به اسم سرباز شناخته می‌شوند، اعم از افسردگی، خودکشی، آشنایی با مواد مخدر و... چرا هیچ‌وقت نظر جامعه‌شناسان و روان‌شناسان را جلب نکرده و حتی به‌عنوان یک دغدغه ساده هم مورد مطالبه قرار نگرفته است و اصلا طرح نمی‌شود.

جایی که لازم است روان‌کاوان و جامعه‌شناسان پای کار سؤال بیایند و پدیده مهمی را آسیب‌شناسی کنند که ریشه برخی از مشکلات جوانان کشور در سال‌های بعدی زندگی است، چرا سیاست سکوت و بی‌اعتنایی انتخاب می‌شود؟

حالا آخرین خودکشی هم که درباره سامان دشتی فرزند عدالت رخ داد، وجه نمادین عجیبی دارد. فرزند عدالت وسط تهران در خود پادگان نظام وظیفه خودکشی کرد و صدای تیرش را مردم حوالی میدان نزدیک پادگان شنیدند، ولی هیچ پرسشی از چندوچون ماجرا نمی‌شود.

حتی بعد از چند روز هیچ روایت شفافی از ماجرا وجود ندارد. تمامی مراکز مجهز به دوربین‌های مداربسته هستند و باید گزارش شفافی از این واقعه به مردم داده شود تا بتوان کل پدیده را ریشه‌یابی کرد؛ اما همیشه دم‌دست‌ترین سیاست مقامات سکوت است.

او با اشاره به آمارهای مختلف می‌گوید: «اخیرا یک مقاله پژوهشی می‌دیدم که با کاری آماری اثبات می‌کرد حدود پنج درصد اعزام‌شوندگان گرفتار اعتیاد می‌شوند و از هر شش سرباز، یک نفر به شکل جدی به خودکشی فکر کرده است. در کشوری که سالانه حدود ۷۰۰ هزار نفر مشمول سربازی می‌شوند، حدود ۳۵۰ هزار نفر فراری هستند؛ یعنی حدود ۵۰ درصد از این مشمولان کاملا آگاهانه تصمیم می‌گیرند همه محدودیت‌ها در زندگی را متقبل شوند ولی به سربازی نروند. محدودیت‌هایی مثل اینکه نمی‌توانند هیچ سندی را به نام خودشان بزنند، خانه و ماشین بخرند، به سفر خارجی بروند و امثال آن؛ یعنی حاضرند رسما از بدیهی‌ترین حقوق شهروندی محروم شوند و همه این موارد را به جان می‌خرند تا به سربازی نروند. نصف دیگر جمعیت مشمولان هم که راهی سربازی می‌شوند، با این آمار درخور توجه گرفتار خودکشی، اعتیاد و افسردگی می‌شوند. بسیاری از آنها هم به مشکل بعدی از جمله بی‌کاری و عقب‌افتادن در زندگی دچار می‌شوند که جایی احصا نمی‌شود».

اما او معتقد است آسیب‌های سربازی در هر دوره رادیکال‌تر می‌شود: «تحولات دهه ۷۰ کشور و تحت تأثیر فضای سیاسی و اقتصادی، مسئله بر سر این بود که خبرها از اعتیاد و افسردگی در سربازی پرده برمی‌داشت. چند سال بعد اما آسیب‌ها وارد فاز خودکشی شد. در همه کارهای جسته‌وگریخته پژوهشی، رشد خودکشی در سربازی را می‌توان دید. همین‌طور که در یک دهه اخیر درباره آن بیشتر می‌شنویم».

پیش‌بینی‌ای که همین حالا هم نشانه‌هایی از آن را می‌توان مشاهده کرد: «ماجرای رفتار سامان دشتی و جزئیات رخ‌داده کاملا در جهت تأیید این رادیکال‌ترشدن نحوه اعتراض است که حالا تا ذکر روایت کامل ستاد کل بهتر است منتظر بمانیم».

اشتری نسبت به روزی هشدار می‌دهد که دیگر دیر باشد: «مسئله شایان توجه این است که فضای سربازی و رفتارهای سربازان هر روز رادیکال‌تر می‌شود؛ به‌ویژه مطالباتی که در زمینه سربازی در فضای مجازی ایجاد شد و استقبالی که صورت گرفت، نشان‌دهنده حجم این مطالبات است. جوانان می‌خواهند مسئولان صدای آن را بشنوند و تغییری در این شرایط ایجاد کنند. من چون روزانه هزاران پیام در پویش #ازسربازی_بگو دریافت می‌کنم و صبح تا شب با این بچه‌ها در حال چت‌کردن و بحث و صحبت هستم، نگران هستم».

چون سرباز کم دارند، در معافیت‌ها سخت‌گیری می‌کنند

محمدرضا اکبرحلوایی، معاون اسبق مشمولان و امور معافیت‌ها در سازمان نظام وظیفه عمومی است که خودش یکی از مخالفان جدی سربازی اجباری است. او که مدتی است دفتر مشاوره حقوقی در همین حوزه راه‌اندازی کرده است، از ماجرای مرگ سامان دشتی به «شرق» می‌گوید: «درباره حقایق روایات به‌سختی می‌توان نظر قطعی داد؛ چون مسئولان که چیزی نمی‌گویند و از طرف دیگر، کسی که برنامه خودکشی دارد، کمتر پیش می‌آید دیگران را از نیت خودش مطلع کند. به همین دلیل گمانه‌زنی‌های زیادی انجام می‌شود. آنچه من شنیده‌ام این است که روز آخر خدمت برای تسویه می‌رود و وقتی متوجه می‌شود خدمتش تمام نشده، با ترفندی از یکی از هم‌خدمتی‌هایش اسلحه می‌گیرد و آن حادثه رخ می‌دهد».

او به دشواری‌هایی اشاره می‌کند که سامان و دیگرانی شبیه به او در طول خدمت تحمل می‌کنند: «تصور کنید که این جوان از اردبیل به تهران آمده بود. دوری مسیر، ایاب‌وذهاب دشوار، سختی خود خدمت و برخوردهایی که در دوران سربازی شایع است، به‌راحتی این جوانان را تحت فشار قرار می‌دهد. سربازانی که تصور می‌کنند بعد از این سال‌های خدمت هیچ‌چیزی در انتظارشان نیست. دو سال را هم از دست داده‌اند و هیچ چشم‌اندازی از شغل و درآمد و زندگی و آینده پیش‌روی خود ندارند. در شرایطی که وزارت بهداشت کشور اعلام کرده که ۳۰ درصد از مردم ایران با مشکلات و اختلالات روانی درگیر هستند. خب سربازان جوان ما هم جزء همین مردم‌اند. خود ماهیت سربازی هم که اجباری است به این شرایط دشوار دامن می‌زند. همه این شرایط باعث می‌شود برخی از این جوانان دست به این کار بزنند. اخباری که در ماه‌های اخیر هم شنیده‌ایم و ناراحت‌کننده است که هیچ واکنشی نسبت به این خبرهای تلخ ایجاد نمی‌شود».

حلوایی اما نسبت به رعایت‌نشدن برخی از قوانین در حوزه اعزام سربازان نقد وارد می‌کند: «روند اعزام و مشمول‌شدن سربازان هم با مشکل مواجه است. قانون صریحا اعلام کرده که وضعیت جسمی و روانی مشمولان پیش از اعزام باید سنجیده شود. اما از آنجایی که در سال‌های اخیر کشور سرباز کم دارد، این سنجش‌ها را با سخت‌گیری‌های شدید انجام می‌دهد درحالی‌که تقاضای پزشکی نه یک درخواست که وظیفه مسئولان ماست. از سوی دیگر قانون بازهم به‌صراحت اعلام کرده که سربازان باید در حین خدمت توسط مشاوران حاضر در مراکز نیروهای مسلح پایش روانی بشوند. این مراکز باید وضعیت روانی جوانان را رصد کرده و با خانواده‌های آنها هم در ارتباط باشند. آن‌هم در فضایی که محیط و ماهیتش تشدیدکننده رفتارهای خشن است».

این سرهنگ بازنشسته متأسف است که مسئولان نسبت به این اخبار چندان حساسیتی به خرج نمی‌دهند: «متأسفانه این اخبار شنیده می‌شود اما انگار اهمیتی ندارد. درحالی‌که ستاد نیروهای مسلح باید نسبت به این اتفاقات حساس باشد، سامانه غیررسمی داشته باشد و آمار این حوادث را در آن ثبت کند تا بتوان برنامه‌ای برای مقابله با آن طراحی کرد».

او البته معتقد است الان نگرانی اصلی همین مورد خودکشی و نه آسیب‌رساندن به دیگران است: «اگر خاطرتان باشد پس از حادثه تصادف اتوبوس نی‌ریز که سربازان در آن کشته شدند، تعدادی از سربازان به فرماندهان پادگان آبیک حمله کردند. پس از آن سیاستی چیده شد که تماس بین فرماندهان و سربازان را به حداقل برساند. از نگاه من از آن روز به بعد اتفاقا حمله و پرخاش به فرماندهان کمتر شد و خودکشی سربازان جایش را گرفت».

هر سربازی را می‌بینم، نگران می‌شوم

در دومین کنفرانس بین‌المللی چالش‌ها و راهکارها؛ مدیریت چالش خدمت سربازی در ایران که برای مدیریت بهینه نیروی انسانی برگزار شده بود، اعلام شد که سالانه چهار میلیون خانواده در کشور درگیر با موضوع سربازی هستند؛ خانواده‌هایی که اگر فرزندشان راهی سربازی نشود، یک مشکل بزرگ در زندگی دارند و اگر آنها را به سربازی بفرستند هزار مشکل دیگر. نوشین، زنی ۵۵ساله است که چهار سال پیش پسرش را از دست داد. یک روز نام پسر او هم مثل تعدادی از جوانان دیگر در اخبار شنیده شد که در حین خدمت دست به خودکشی زده است. بعد از گذشت چند سال، زندگی او و سایر اعضای خانواده‌اش به حالت عادی برنگشته است: «پسر من (اصرار دارد که نامش را نبرد) افسردگی داشت. ما خیلی تلاش کردیم تا معاف شود اما تقاضای پزشکی را قبول نکردند. می‌گفتند یعنی چه که افسرده است. فکر می‌کردند ادا درمی‌آوریم اما پسر من واقعا شرایط روانی مساعدی نداشت. من نگران بودم که زیر فشار دوران سربازی حالش بدتر شود که همین هم شد».

یک روز به خانه زنگ زدند و گفتند برای تحویل جسد پسرتان بیایید: «تابستان بود. خوب یادم هست که از صبح که بیدار شده بودم دستم به سمت هیچ نوشیدنی‌ای نمی‌رفت. با اینکه خیلی هوا گرم بود. می‌گفتم مگر پسرم می‌تواند در این گرما چیز خوبی بخورد که منِ مادر بخورم؟ که نزدیکی‌های ظهر تماس گرفتند. از همان روز آوار مصیبت از خانه ما برداشته نشده است. پسر کوچک‌ترم هنوز هم تحت درمان روان‌پزشک است. همسرم یک‌شبه پیر شد و خودم هم که اگر یک فرزند دیگر نداشتم، نمی‌دانستم چطور باید به زندگی‌کردن ادامه می‌دادم. حالا هم همه توانم را گذاشتم روی اینکه پسر نوجوانم را برای تحصیل به خارج از کشور بفرستم. نمی‌توانم تصور کنم که دوباره همه آن بحران‌ها تکرار شود. از آن روز به بعد اما هر سربازی که در خیابان‌ها می‌بینم، نگران مادران داغدار آینده می‌شوم».

علیرضا مختاری، محمدجواد احمدی، محمد جمالی، یحیی یاری و حالا هم سامان دشتی؛ نام‌هایی که در ماه‌ها و سال‌های اخیر در اخبار رسمی شنیده شده و پشت هرکدامشان، عمر یک جوان و زندگی خانواده‌های بسیاری نهان است. همان‌طورکه فعالان این عرصه در این گزارش اشاره کردند، آمار دقیقی از اقدام به خودکشی سربازان در کشور وجود ندارد اما اخبار و حوادث چند سال گذشته، افزایش این موضوع را نشان می‌دهد تاجایی‌که با یک جمع‌بندی ساده از اخبار رسمی و غیررسمی و گزارش‌های رسیده از پادگان‌ها در اقصانقاط کشور، شاهد حداقل ۲۱ خودکشی میان سربازان وظیفه در یک‌سال‌ونیم گذشته بوده‌ایم. آمار خودکشی در کنار آمار ۱۵درصدی از سربازانی است که افکار خودکشی در سر دارند؛ یعنی یک نفر به ازای هر شش نفر. طبق مقاله پژوهشی مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان که یک مطالعه مروری منظم بود، شیوع افکار خودکشی در سربازان هم، از ۵،۸ درصد تا ۲۸،۴ درصد برآورد شده است.

قالیباف در برابر انتقادات دانشجو

ادامه از صفحه ۳

مگر نه این است که این جزء وظایف آنان است؟ آقای رئیس طرح رتبه‌بندی معلمان به کجا رسید؟ چشمان یک‌میلیون انسانی که آینده فرزندان این مملکت را رقم می‌زنند، به دست شماست ولی هنوز که هنوز است فرایند و سازوکار این طرح مشخص نیست. این فعال دانشجویی عنوان کرد: آقای قالیباف جلسات سران قوا که با حکم رهبری و اختیارات بالا شکل گرفت تا حل مشکلات اساسی کشور تسهیل پیدا کند، آیا به نظرتان این جلسات کارکرد مدنظر حضرت آقا را دارد؟ آیا آن تسهیل‌گری در حل مشکلات اجرائی شد؟ نتیجه آن در معیشت مردم چه بود؟ در آخر پیشنهادی درخصوص حق اعتراض مردم به مشکلات کشور که هم‌اکنون نیز درگیر آن هستند، ارائه می‌کنم؛ طبق اصل ۲۷ قانون اساسی قانون به تجمعات مسالمت‌آمیز مردم مشروعیت بخشیده است. در همین راستا مجلس باید سازوکاری را برای این تجمعات و اعتراضات مشخص کند که هم این اعتراضات کارکردی واقع شوند و نسبت به وضعیت معترضین بازنگری شود و هم هر تجمعی در کشور تبدیل به اغتشاش نشود که باعث تضییع حقوق مردم شود.

قطعا شایسته‌سالاری صورت نگرفت

قالیباف هم دیروز سعی کرد به برخی شبهات و انتقادات پاسخ گوید و برخی از نقصان‌ها را بپذیرد. از پذیرفتن عدم رعایت شایسته‌سالاری در لیست نمایندگان تهران تا عدم پیگیری درست رفتار عنابستانی نماینده‌ای که به سرباز راهور سیلی زد. اگرچه بیشتر صحبت‌هایش دفاع از عملکرد فعلی‌اش در مجلس و گذشته‌اش در شهرداری بود. او درباره نامه‌نوشتن در حمایت از رئیسی برای ورود به انتخابات از سوی نمایندگان گفت: مجلس شورای اسلامی و نماینده مجلس، وکیل‌الدوله نیست بلکه پنجره مردم است. اینکه در مجلس نامه نوشته شود که برای مثال آقای قالیباف یا مثلا آقای رئیسی برای انتخابات ریاست‌جمهوری اقدام کند، به‌هیچ‌عنوان صحیح نیست که در آن زمان من اجازه ندادم حتی این نامه از تریبون مجلس شورای اسلامی قرائت شود. نماینده مجلس می‌تواند بشخصه فعالیت سیاسی داشته باشد اما آن اقدام مجلس درخصوص نامه پسندیده نیست و این نقد وارد است. درخصوص موضوع اینکه برخی از نمایندگان به هیئت دولت رفتند نیز باید بگویم دولت با تشخیص و پیگیری خود انتخاب‌هایی داشت و من امروز شهادت می‌دهم دو وزیری که از مجلس به دولت رفتند نه کاندیدا شدند و نه لابی کردند. وی درخصوص حضور خود در یکی از لیست‌های انتخابی مجلس عنوان کرد: در آن لیست کاندیداهای تهران شعاری درخصوص شفافیت وجود نداشت اما من در صحبت‌های خود به موضوع شفافیت اشاره کردم و پیگیر آن هستم. مباحثی درباره لیست تهران مطرح شد. برای مثال امروز از پدرخوانده‌ها گفتند که درست است و نقدهایی وارد است اما من در آن زمان گفتم که افراد قابل‌تر و شایسته‌تری وجود دارند که در این لیست باشند. اگرچه خود را مکلف دانستم که با همان لیست به قول خود عمل کنم. قطعا در آن لیست شایسته‌سالاری صورت نگرفت این‌چنین اتفاقات ممکن است در انتخابات بعد هم انجام شود، برهمین اساس است که می‌گویم الگوی حکمرانی ما باید اصلاح شود. رئیس مجلس شورای اسلامی در بخشی دیگر عنوان کرد: قطعا ما در حوزه نظارت بر رفتار نمایندگان ضعف‌هایی داریم که مجلس به دنبال تقویت آن بوده و قصد دارد قانون آیین‌نامه داخلی را در این خصوص اصلاح کند؛ درخصوص آقای عنابستانی که دانشجویان اشاره کردند، باید بگویم که اگرچه هیئت نظارت پیگیری‌های مجدانه‌ای انجام داد، اما معتقدم که پیگیری‌ها باید محکم‌تر انجام می‌شد اما درنهایت نظر دادگاه ملاک قرار گرفت؛ البته در برخورد مأمور نیروی انتظامی هم اشکالاتی وجود داشت؛ سرباز نباید از قانون تخطی کند. نماینده مجلس سیلی نزد و صرفا سرباز را هل داد اما حق همین هل‌دادن را نداشت؛ اگرچه ما شاهد بودیم که در مجلس قبل در خصوص موضوع گمرک این‌گونه موضوع پیگیری نشد.

یادداشت

۵۵ سال در انتظار یک شناسنامه

● **پیمان حقیقت‌طلب. مدیر پژوهش انجمن دیاران:** شاه‌عصمت‌الله می‌گوید همه مدارکم تکمیل است. برای بچه‌هایم همان اول کار گواهی تولد از ثبت‌احوال گرفتم. فردای روز عروسی با همسر ایرانی‌ام قبل از هر کاری رفتم و درخواست ثبت ازدواج کردم. دو سال طول کشید تا ازدواجم ثبت شود. متولد ایران هستم و هیچ روزی از حضورم در ایران غیرقانونی نبوده است. همیشه مدرک اقامتی داشته‌ام. حالا یک سال و نیم است که برای بچه‌هایم طبق قانون جدید درخواست شناسنامه داده‌ام، اما هیچ خبری نیست. دخترم هفت‌ساله شده و باید مدرسه برود. اگر با پاسپورت افغانستانی در مدرسه ثبت‌نام شود، بعدا باید کلی دوندگی کنم که بگویم دخترم شناسنامه گرفته و ایرانی است. می‌گوید پسر فامیلمان این‌طوری شد. براساس همین قانون جدید به او شناسنامه دادند. پدرش افغانستانی و مادرش ایرانی است. پسر در ۱۷سالگی به شناسنامه رسید. اما امسال که خواست کنکور بدهد به مشکل برخورد. آموزش و پرورش سوابق تحصیلی‌اش را به‌عنوان یک دانش‌آموز افغانستانی بدون کد ملی ثبت کرده بود. او می‌خواست با کد ملی در کنکور شرکت کند. می‌گفتند این کد ملی درس نخوانده! می‌خواهم دخترم از همان اول با کد ملی در مدارس ثبت‌نام شود که بعدا نگویند افغان بوده و درس‌خواندنش قبول نیست.

شاه‌عصمت‌الله بارها به دفاتر کفالت مراجعه کرده. به او گفته‌اند ما فقط سالی دو هزار پرونده را می‌توانیم رسیدگی کنیم و نوبت تو چهارهزارو ۵۰۰ است و دو سال و نیم طول می‌کشد تا نوبت بررسی پرونده‌ات بشود! حکایت شاه‌عصمت‌الله را درباره شناسنامه‌های بچه‌های مادر ایرانی-پدر غیرایرانی در همه استان‌های ایران می‌توان دید. اعداد و ارقامی هم که مسئولان استانی مختلف اعلام می‌کنند حکایت از معطلی و کندی عجیب در اعطای شناسنامه به فرزندان مادر ایرانی دارد.

مدیر کل اداره اتباع استان قم اعلام کرده که از بین چهار هزار متقاضی شناسنامه در این استان ۳۵۰ نفر به شناسنامه رسیده‌اند . به عبارتی در این استان قانون تابعیت فرزندان مادر ایرانی کمتر از ۱۰ درصد اجرائی شده است. مدیر کل اداره اتباع استان خراسان رضوی هم گفته که در این استان ۱۱ هزار متقاضی مادر ایرانی برای شناسنامه وجود دارد که فقط برای ۴۰۰ نفر شناسنامه صادر شده و بقیه در پیچ و خم کارهای اداری باقی مانده‌اند. قانون تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی در دوم مهر سال ۱۳۹۸ از طرف شورای نگهبان لازم‌الاجرا شد. آمار استان خراسان رضوی را اگر نگاه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که به‌طور متوسط تقریبا هر دو روز یک شناسنامه در این استان برای فرزندان مادر ایرانی صادر شده و احتمالا ۵۵ سال طول می‌کشد تا همه متقاضیان این استان به شناسنامه برسند. در کل کشور هم اوضاع به همین منوال است. مدیر کل اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور در مهرماه امسال اعلام کرد که حدود پنج هزار شناسنامه برای فرزندان مادر ایرانی در کل کشور صادر شده است. اگر آمار ۹۰ هزار متقاضی که در اردیبهشت ماه اعلام شده بود اضافه نشده باشد، میزان اجرای قانون در کل کشور حدود شش درصد است. به عبارتی به‌طور متوسط سالانه فقط دوهزارو ۵۰۰ شناسنامه صادر می‌شود و احتمالا ۳۶ سال طول بکشد تا شاید همه متقاضیان مادر ایرانی به شناسنامه برسند. البته این آمار و ارقام ناامیدکننده تنها متوسط کشور را بیان می‌کنند. استان سیستان و بلوچستان بیشترین تعداد شناسنامه‌های مادر ایرانی را دارد و هنوز که هنوز است بعد از دو سال کسی در این استان به شناسنامه نرسیده است. بی‌شناسنامه‌ها در ایران جزء فقیرترین اقشار جامعه‌اند و با توجه به شرایط اقتصادی دو سال اخیر ایران شرایط سخت زندگی آنان هولناک‌تر نیز شده است. مدیر کل اداره اتباع وزارت کشور چندی پیش در مصاحبه با خبرنگار ایلنا درباره کندی اجرای قانون گفته بود: «ملاک عمل استان‌ها مفاد مطرح‌شده آیین‌نامه است و شیوه‌نامه صرفا برای رفع ابهامات استان‌ها در اجرا، تهیه و ارسال شده و کماکان ملاک عمل استان‌ها در دریافت پاسخ استعلام امنیتی براساس مفاد ماده ۱۳ آیین‌نامه است». کندی دستگاه‌های امنیتی در پاسخ به استعلامات (با وجود مهلت زمانی سه‌ماهه در متن قانون مصوب) علت اصلی عنوان می‌شود؛ اما به نظر می‌رسد کندی دستگاه‌های امنیتی در پاسخ به استعلامات تنها دلیل نیست. از بین ۹۰ هزار متقاضی مادر ایرانی-پدر غیرایرانی تنها ۲۹ هزارو ۷۳۷ نفر توانسته‌اند پرونده تشکیل بدهند. وجود برخی شرط‌های سخت مانند الزام برای مدرک اقامت قانونی پدر غیرایرانی جهت تشکیل پرونده، این شرط که مادر ایرانی خود باید حین تولد فرزندش صاحب شناسنامه بوده باشد، هزینه‌های سنگین اثبات نسب فرزند و مادر ایرانی و سخت‌گیری‌های ثبت احوال درباره شناسنامه‌های مادران ایرانی و کسانی که تابعیت اکتسابی داشته‌اند نیز از عوامل کندی اجرای قانون شناسنامه برای مادرایرانی‌هاست. کندی و آهستگی‌ای که به نظر می‌رسد فقط با یک اراده فراتر از دستگاه‌های بوروکراتیک قابل حل‌وفصل‌شدن باشد.